مدیریت فرماندهی جنگ از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

پدید آورنده : نامشخص ، صفحه 11

مقدمه

رهبری و مدیریت به معنای رشد و ارشاد و هدایت انسانهاست. قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد آنان است. در مفهوم رهبری علاوه بر راهنمایی و ارشاد، سامان دادن و سازماندهی قوای انسانی و تحریک آنها در مسیر الهی نیز گنجانیده شده است. از آنجایی که جهاد به عنوان یک وظیفه مهم و خطیر مدیران و والیان مطرح شده است لازم است که در این باره بحث و کنکاش صورت گیرد؛ چرا که جهاد با دشمن و دفاع از کیان اسلام توسط مسلمانان در جهان بینی توحیدی به عنوان یک ارزش مطرح است. تحقق عینی این ارزش اسلامی در گرو فرماندهی و رعایت قواعد و اصول نظامی است. در این نوشتار با ویژگیها و آفات فرماندهی در جنگ آشنا خواهیم شد.

اهمیت فرماندهی

در اسلام به ویژه در مذهب تشیع درباره رهبری و مدیریت تأکید فراوان شده است، تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«اگر دو یا سه نفر در سفر بودید یکی را به عنوان رئیس و مدیر خود انتخاب کنید.»

منابع انسانی به طور جدی نیازمند مدیریت و رهبری و اکتشاف و استخراج است.

نیروی نظامی که مسئولیت مهم و خطیر امنیت و دفاع از مردم را به عهده دارد، به طور آشکارا نیازمند فرماندهی لایق و شجاع می باشد، تا در مواقع حساس و اضطراری، نیروهای تحت امرش را نظم سامان دهد. نیروی نظامی تحت فرماندهی فرمانده کل، وجود رهبرو فرمانده را در پیشاپیش نظام، به عنوان یک مسئله حیاتی قلمداد می کند. آنان انتظار دارند که آموزشهای لازم و تعلیمات نظامی را به خوبی کسب نموده و در مواقع لزوم از آن بهره گیرند.

فرمان در نیروهای نظامی به منزله فعالیت منسجم یک سیستم حرکتی عصبی می باشد. همان گونه که سیستم حرکتی عصبی تمام پیامهایی را که از مغز به اعضا فرستاده می شود از طریق ماهیچه ها به اجرا در می آورد، فرمان یک فرمانده کل که برای نیروهای زیردست صادر می گردد نیز لازم الاجرا می باشد.

مولای متقیان امام علی (علیه السلام) در جنگ جمل - سال 36 هجری - هنگامی که پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد، به وی چنین سفارشی فرمود:

«تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لا تَزُلْ، عَضَّ عَلی ناجِذِکَ، أَعِرِ اللّهَ جُمْجُمَتَکَ، تِدْ فِی الارْضِ قَدَمَکَ، ارْمِ بِبَصَرِک، اقْصَی القَوْمِ، وَ غُضَّ بَصَرَکَ، وَاعْلَمَ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ سُبْحانَهُ»؛

«اگر کوهها از جای خود کنده شوند تو ثابت و استوار باش. دندانها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای را بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر بنگر - برای نابودی آخرین نفر -. هیبت دشمن را از نظر دور کن و بدان که پیروزی از جانب خداوند سبحان است».

اگر فرماندهی با قاطعیت عمل کند، جنگ به نفع نیروهای تحت امرش خاتمه پیدا می کند، چنان که در جنگ جمل، پیروزی از آن علی (علیه السلام) و یاران حضرت گردید، و اگر فرماندهی، ضعیف عمل کند، بدون تردید نیروهای تحت امرش را به نابودی خواهد کشاند. به همین دلیل، امیر مؤمنان می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّ دارَ الهِجْرَةِ قَدْ قَلَعَتْ بِأهْلِهَا وَ قَلَعُوا بِهَا، وَ جَاشَتْ جَیْشَ الْمِرْجَلِ، وَ قَامَتِ الْفِتْنَةُ عَلَی القُطْبِ، فَأسْرِعُوا اِلَی أمِیرِکُم وَ بَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّکُمْ، اِنْ شَاءَ اللّهُ عَزَّ و جَلَّ؛

«بدانید که سرای هجرت (مدینه) مردمش را از خود راند و مردم نیز از آنجا رفتند. ناگاه، چون دیگی که بر آتش باشد، جوشیدن گرفت و فتنه سر برداشت. پس به سوی امیرتان بشتابید و اگر خدا خواهد، برای جهاد با دشمن، به پیش تازید.»

در تاریخ افتخار اسلام دیده نشده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یکی از میادین جنگ و مبارزه ضعفی از خود بروز داده باشد؛ حتی در جنگ احد که اوضاع به وخامت گرایید و مسلمانان طعم تلخ شکست را چشیدند و پیامبر گرامی اسلام چندین زخم برداشت و دندان مبارکش شکست. باز هم حضرت چون کوه پابرجا ایستاد و از استقامت و پایمردی دست بر نداشت و سرانجام دیگران را به ادامه مبارزه و بازگشت به میدان مبارزه دعوت نمود. این روحیه زمانی به دست می آید که فرمانده به مکتب و آنچه که به خاطر آن می جنگد، ایمان داشته و در راه پیروزی به استقبال سختیها و دشواریها برود، در این صورت زیردستان نیز از او اطاعت خواهند کرد.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نمونه کامل دیگری است که سراسر زندگی اش با جهاد و پیکار سپری شده است، آن حضرت چه در مرحله دعوت به اسلام و چه پس از برپایی دولت اسلامی در مدینه منوره پرچم باافتخار جهاد را در تمامی جنگها، همگام با پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به دوش کشیده و همیشه فتنه های دشمنان را از حریم اسلام و مسلمین دفع کرده است.

تاریخ، صفحات درخشانی از حماسه های امام علی (علیه السلام) و مجاهدتهای پر افتخار او به ثبت رسانیده است. جنگ بدر، احد، احزاب، خیبر و... گواه زنده ای است بر هدفداری امام متقیان علی (علیه السلام) که جلوه های مجد و عزت و اخلاص او را به نمایش می گذارد:

اَجَعَلْتُم سِقایَةَ الحاجِّ وَ عِمارَة الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فی سَبیلِ اللّهِ لا یَسْتَوُنَ وَ اللّهُ لا یَهْدِی القَوْمَ الظّالِمینَ؛

«آیا آب دادن و تعمیر مسجد الحرام را به عمل آن کسی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه خدا جهاد نموده می توان برابر دانست؟ اینها در نزد خداوند یکسان نیستند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد.»

وجدان اخلاقی در جنگ

کسی که سلاح بر می دارد دستخوش غرور شده، خطر انحراف از ارزشهای اسلامی و انسانی و گرایش به ستمگری و سرکشی او را تهدید می کند؛ در این حالت فرمانده بیش از دیگران به پرهیزگاری و نیروی «وجدان اخلاقی» نیازمند است.

امام علی (علیه السلام) در سفارش به یکی از فرماندهانش به نام معقل بن قیس الریاحی توصیه می کند:

«از خدایی که به ناچار، روزی با او دیدار خواهی کرد و جز درگاه او پایانی نداری، بترس! جنگ مکن مگر با آنکه با تو بجنگد! و لشکرت را در ابتدا یا انتهای روز به حرکت درآور و به هنگام گرمای نیمروز فرود آر. و مرکبها را خسته مدار، و در آغاز شب، لشکر را به حرکت در میاور که خداوند شب را برای آسودن قرار داده و آن را برای درنگ کردن مقرر کرده نه سیر و سفر. به هنگام شب خود و مرکبت را از خستگی برآور، و چون برآسودی، یا هنگام سحر و یا زمان دمیدن سپیده به برکت خداوندی حرکت کن. هرگاه با دشمن رویاروی شدی، خود در میانه لشکرت قرار گیر، و به دشمن چنان نزدیک مشو که پندارد قصد حمله داری و چنان دور مایست که چون کسی باشی که از جنگ بیمناک است تا فرمان من به تو رسد. کینه آنان تو را وادار نکند که پیش از آن که به اطاعتشان فراخوانی و حجت را بر آنان تمام کنی، جنگ را بیاغازی.»

امام علی (علیه السلام) در این قسمت بهترین دستورهای اخلاقی را صادر می کند تا این فرمانده از وجدان اخلاقی برخوردار گردد.

ویژگیهای فرماندهی

با توجه به نیاز نیروهای نظامی به فرمانده لایق و شایسته، ویژگیهای «فرماندهی» را از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) در چهار بخش مورد مطالعه قرار می دهیم.

1. ویژگیهای عقیدتی

یک فرمانده مکتبی از نظر اعتقادی باید دارای ویژگیهایی باشد که مهم ترین آنها عبارتند از:

1/1- ایمان به یاری خداوند

ایمان به خداوند و امدادهای غیبی به انسان توان، پایمردی و مقاومت می بخشد. از این رو قرآن کریم بر آن تأکید می کند: یا أیُّهَا الذینَ آمَنُوا إذا لَقِیتُم فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْکُرُوا اللّه کَثِیرا لَعَلَّکُم تُفْلحُونَ

«ای اهل ایمان! در مقابله با دشمنان پایمردی کنید و به یاد خدا باشید تا رستگار شوید.»

ایمان و عقیده صحیح در وجود فرماندهی موجب می شود که با دلیری و شجاعت در انتظار دو سرنوشت، پیروزی یا شهادت و رسیدن به «لقاء اللّه» و به تعبیر قرآن کریم «اِحْدَی الْحُسْنَیَیْن» زندگی کند. برای یک مؤمن شهادت در راه خدا به همان اندازه که پیروزی لذّت بخش است، لذّت آفرین است و مردان با ایمان و معتقد از مردن و کشته شدن در راه خداوند هراسی ندارند.

مولای متقیان علی (علیه السلام) در علت تأخیر جنگ در جمل به فرماندهانش فرمود: «من در انتظار نزول فرشتگان آسمان هستم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا بشارت داده است، تا فرشتگان نازل نشوند دستور جنگ نمی دهم.» کمی که گذشت، ناگاه نسیمی خوشبوتر از مُشک وزیدن گرفت، آن گاه امام (علیه السلام) برخاست و زره رزم بر تن آراست و آماده جنگ گردید.

بنابراین، فرماندهی قبل از هر چیز باید از ایمان کامل به مبدأ و معاد و دیگر ضروریات اسلام برخوردار باشد؛ زیرا کسی که این ویژگیها را نداشته باشد نمی تواند قاطعانه در راه خداوند بجنگد و نیروهای تحت امرش را سرپرستی و اداره نماید.

2/2- ایمان به هدف

منظور ایمان به آرمانها و اهدافی است که مکتب حیات بخش اسلام برای بشریت ترسیم نموده است. فرماندهی که ایمان به آرمانهای اسلامی نداشته باشد، تلاش و فعالیتهایش در جهت حاکمیت اسلام و تحقق آرمانهای اسلامی انجام نخواهد شد.

قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را نمونه کامل باورمندی به اهداف متعالی اسلام معرفی می کند:

«پیامبر به آن چیزهایی که از سوی خداوند نازل گردید ایمان آورده و مؤمنان نیز به خداوند و ملائکه و کتب و رسولانش ایمان آوردند. هیچگونه فرقی میان رسولان وجود ندارد و همگی گفتند که ما شنیدیم و اطاعت می کنیم. غفران و بخشش از تو است به سوی تو باز می گردیم.»

تاریخ پر افتخار اسلام نشان می دهد که آن حضرت در میادین نبرد، مانند کوه استوار و ثابت قدم مانده و هرگز پا به فرار نگذاشته است. امام علی (علیه السلام) در مورد پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

«هنگامی که آتش جنگ شعله ور می شد ما به پیامبر پناه می بردیم و او از همه به دشمن نزدیک تر بود.»

2- ویژگیهای فردی

در مجموع ویژگیهای فردی برای فرماندهان زیاد است به طور اختصار به چند نمونه اشاره می کنیم.

1/2- علم و قدرت

علم و قدرت در قرآن کریم، به عنوان دو ویژگی فرماندهی معرفی شده است. بنی اسرائیل گرفتار سلطان جبار و مستبد و خودکامه ای به نام «جالوت» بودند. اشموئیل یکی از پیامبران بنی اسرائیل «طالوت» را به عنوان حاکم و فرمانده آنان برگزید. طالوت مرد فقیر و روستایی بود. این گزینش مورد تعجب قوم بنی اسرائیل قرار گرفت. برای رفع این ابهام و تعجب، خداوند روی علم و قدرت طالوت تکیه می کند و می فرماید:

(اِنَّ اللّهَ اَصْطَفاهُ عَلَیْکُم وَ زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»؛

«خداوند او را بر شما برگزیده و او را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده است».

«رمز پیروزی در میدان نبرد و مبارزه، ثروت و امکانات مادی نیست بلکه مهم «علم» و «قدرت» می باشد. توانایی و دانایی رمز اصلی موفقیت یک فرمانده لایق در میدان نبرد است.

2/2- صداقت و راستی

از آن جا که یکی از نقشهای مهم رهبری، داشتن روابط سالم با زیردستان است، فرمانده باید از ویژگی صداقت و راستی برخوردار باشد تا بتواند در اجرای برنامه ها و رسیدن به اهداف از اعتماد کامل آنان بهره مند باشد. طبیعی است که حفظ همبستگی و اعتماد بین فرمانده و زیردستانش در گرو «صداقت» و «راستی» او است؛ به طوری که ممکن است فرمانده با یک سخن یا عمل عاری از صداقت، موجب جدایی زیردستانش شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«برای آزمایش مردم نگاه به زیادی روزه و نماز آنها نکنید ... ولی نگاه به راستگویی و امانت آنها کنید.»

3/2 - شجاعت و قاطعیت

شجاعت و قاطعیت از اوصافی است که برای یک فرمانده به خصوص در میدان نبرد و کار زار، ضروری است؛ در غیر این صورت نمی تواند وظایف مهم فرماندهی را به گونه ای شایسته انجام دهد، زیرا:

- فرمانده اگر در مرحله تصمیم گیری ضعیف و ترسو باشد نمی تواند تصمیم درست و کارا بگیرد؛

- فرمانده ترسو در مقابله با حوادث غیر منتظره دستپاچه می شود و راههای ابتدایی چاره جویی را هم فراموش می کند؛

- فرمانده در هنگام ارتکاب اشتباهات اگر از شجاعت لازم برخوردار نباشد هرگز اعتراف به خطای خویش نکرده و در صدد جبران آن بر نمی آید؛

- در کارهای مهم که نیاز به اعتماد به نفس دارد بدون شجاعت، حصول آن غیر ممکن خواهد بود؛

- در برابر وسوسه های شیطانی و هوای نفس و در مقابله با اهل باطل تنها برخورد شجاعانه مؤثر واقع می شود؛

- قبول مسئولیتهای سنگین با دورنمای مبهم و تاریکی که در آغاز کار وجود دارد جز برای افراد شجاع ممکن نیست.

به هر صورت، مدیران و فرماندهان در هر گام و هر عملی به این صفت نیاز داشته و دارند. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«عجز و ناتوانی آفت و استقامت و شکیبایی نوعی شجاعت است.»

3- ویژگیهای اجتماعی

اجتماع و پایگاه مردمی مهم ترین پشتوانه مدیران و فرماندهان در پیشبرد اهداف بزرگ آنان می باشد. در صورتی که فرماندهان ویژگیهای فردی لازم را داشته باشند ولی فاقد پایگاه اجتماعی باشند، در اکثر مقاطع ناکام خواهند ماند و تلاشهایشان به نتیجه نخواهد رسید.

این پشتوانه عظیم در صورتی به دست می آید که فرماندهان با مردم رابطه صمیمی و صادقانه داشته باشند. به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام و امیر مؤمنان (علیهم السلام) همیشه و در همه حال در دسترس مردم بودند و یا زمان خاصی را برای ملاقات کنندگان اختصاص می دادند. به هر حال ارتباط مستقیم با مردم هم محبت آنان را در دلها زیاد و هم افکار عمومی را برای کمک به پیشبرد اهداف بسیج کند؛ چه آن که فرمانده می تواند اطلاعات واقعی و دست اول را از مردم به دست آورد.

4- ویژگیهای انضباطی

پایبندی به اصول و ضوابط از سوی مدیران و فرماندهان از ویژگیهای بسیار مهم آنان به حساب می آید. همان طور که بی انضباطی و مقدم داشتن روابط بر ضوابط از مهم ترین آفات محسوب می شود.

اصولاً سازمان و تشکیلاتی که «ضابطه مند» نباشد، شایسته نام سازمان و تشکیلات نیست؛ و کسی که در رأس آن قرار دارد شایسته مدیر و فرمانده نخواهد بود. طبیعی است که تقید به ضوابط، مشکلات فراوانی در پی دارد؛ ولی اگر مشکلات آن در کوتاه مدت پذیرفته شود اثر آن در دراز مدت مثبت و چشمگیر است.

داستان عقیل و آهن گداخته را همه شنیده ایم. یکی از افتخارات حکومت علوی پایبندی به ضوابط به جای روابط است. امام در مقابل درخواست بیش تری عقیل از بیت المال آهن گداخته را به دست برادرش نزدیک می گرداند، چنان که فریادش بلند می شود. حضرت در این هنگام می فرماید:

«عزاداران بر مرگ تو اشک بریزند، از آتشی که در برابر قیامت بازیچه ای بیش نیست فریاد می زنی و مرا به سوی آتش سوزانی که خشم خدا آن را برافروخته است می کشانی.»

رعایت قوانین و ضوابط بسیار دشوار است. نخست باید نگرشها از طریق آموزش مستمر فرهنگی جهت داده شود تا در یک روند تدریجی اجرای قوانین و ضوابط به صورت یک فرهنگ در جامعه حاکمیت پیدا کند و تقدم روابط بر ضوابط به مثابه ضد ارزش تلقی گردد.

آفات فرماندهی

از آنجایی که مدیریت و فرماندهی مسئله بسیار پیچیده و ظریفی است، طبعا آفات آن نیز بسیار است. درست در مقابل نقاط قوت فرماندهی، نقاط ضعف وجود دارد که آفات فرماندهی شمرده می شود. در این قسمت به آفات فرماندهی به طور فهرست وار اشاره می گردد:

- سپردن کارها به دست افراد نالایق؛

- تبعیض بی دلیل در میان افراد تحت فرماندهی؛

- حسادت نسبت به همکاران؛

- اعتنا به شایعات و ترتیب اثر دادن به آنها؛

- از دست دادن فرصتها در اثر تردید و عدم شهامت در تصمیم گیری (ترس و بزدلی)؛

- استبداد به رأی و عدم مشاوره با دیگران؛

- عجله و شتاب و عدم تحقیق در کارها؛

- انعطاف و نرمش بیش از حد و سازشکاری با منحرفان؛

- ترک صراحت و به طور کلی دورویی و نفاق با دوستان و همکاران؛

- لجاجت در اشتباه و تداوم در غفلت.

معیارهای منشور جاوید امام علی (علیه السلام)

اسلام به عمد شرائط تصدی پست فرماندهی را سنگین قرار داده است تا کسانی که متصدی آن می شوند بر اساس معیارها و ارزش ها عمل نمایند و در غیر این صورت، شجاعانه از این مسئولیت کنار روند.

در منشور جاوید امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر به ویژگیهای فرماندهان اشاره شده است:

«فرماندهی را به کسی واگذار کن که دارای ویژگیهای زیر باشد:

از همه آنها نزد تو نسبت به خدا، رسول و امام دلسوزتر و خیرخواه تر؛

از همه آنها پاکدامن تر؛

از همه عاقل و هوشیارتر؛

از کسانی که دیر خشم می گیرند؛

به موقع عذر می پذیرند؛

از آنها که نسبت به مستضعفان رئوف و مهربان ترند؛

در مقابل زورمندان و مستکبران قوی و انعطاف ناپذیرند؛

از کسانی که حوادث سخت آنها را از جا به در نمی برد؛

هرگز ضعف و زبونی آنها را به زانو در نمی آورد؛

کسانی که از خانواده های اصیل، نجیب، با شخصیت، صالح، خوش سابقه، با شهامت، شجاع و سخاوتمندند.»

در مجموع می توان اذعان نمود که جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام در شرایطی خاص امری است ضروری و نیاز به سربازان و فرماندهان و مدیران لایق دارد و بر اساس این نیاز در جوامع اسلامی شناخت ویژگیهای فرماندهی و آفات آن امری ضروری است. نامه 53 امیر مؤمنان به مالک اشتر یکی از وظایف مهم او را توجه به مسائل نظامی دانسته است.

پی نوشت ها:

1. همان، نامه 1.

2. سوره توبه (9) آیه 19.

3. نهج البلاغه، نامه 12.

4. سوره انفال (8) آیه 45.

5 . تحفه المجالس، 148.

6 . سوره بقره (2) آیه 285.

7. نهج البلاغه، کلمات قصار، 9.

8 . سوره بقره (2) آیه 247.

9. مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، 152-151.

10. سفینه البحار، ج 1، 41.

11. نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله 4.

12. نهج البلاغه، نامه عثمان بن حنیف.

13. مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، 188-187.

14. نهج البلاغه، نامه 53، سیمای نظامیان.